

پیوند جدایی‌ناپذیر معاش و معاد



مدیرگروه انقلاب و تمدن اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

در فرهنگ اسلام و آموزه‌های دینی به تلاش و کوشش برای کسب روزی جلال و تأمین معاش انسان و خانواده از راه حلال، توصیه و تأکید فراوان شده است، لذا از مردی که در کسب روزی حلال برای خود و خانواده تلاش کند، به «مجاهد فی سبیل...» و رزمنده در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، تعبیر می‌شود یا آنکه در روایات متعدد، عبادت گاهی به هفت و گاهی به هفتاد جزء تقسیم می‌شود که برترین و افضل این اجزا، کسب روزی حلال معرفی شده است.

بنا بر تصریح روایات، اینکه انسان تلاش می‌کند معاش خود و خانواده‌اش را از راه مشروع تأمین کند، واجب و جلوه‌ای مهم از عبادت است و او را در مسیر عبودیت قرار می‌دهد و پیش می‌برد. در روایات آمده است بهترین اعمال، سخت‌ترین آن هاست، لذا از تلاش برای کسب روزی به برترین جزء عبادت تعبیر می‌شود. این تلاش و جلال بودن آن به قدری اهمیت دارد که از شرایط توفیق و استجابت دعای انسان، آن است که کسب‌وکار خود را برای تأمین معاش، حلال کند.

باید توجه داشت در آموزه‌های دینی، رزق وروزی حقیقی به پول و درآمد و امکانات مادی محدود نمی‌شود. در فرهنگ قرآن این طور نیست که صرفا پول زیاد رزق باشد؛ ممکن است کسی ثروت بسیار داشته باشد اما از آن استفاده بهینه نکند. فراوان روایت داریم که چه بسا آن‌ها که بناهای بسیار می‌سازند اما خود در آن‌ها توفیق سکونت نمی‌یابند و چه بسا کسانی که مال می‌اندوزند اما از آن بهره نمی‌برند.

رزق وروزی در فرهنگ دینی، آن امکاناتی است که به کار انسان بیاید و او را در مسیر رسیدن به حیات طیبه کمک کند. نکته دوم آنکه تقدیر رزق وروزی یعنی اینکه انسان این طور فکر نکند که توانایی مالی و کسب روزی، صرفا در گرو تلاش اوست. انسان مؤمن و موحد باور دارد که روزی و رزق او اعم از مادی و غیرمادی مثل سلامت جسمی و روحی یا توان علمی و بدنی برای کسب روزی، ودیعه و عطیه الهی و محصول این تلاش، رزق و رحمت الهی است.

ما معتقدیم عالم، مخلوق خدای یگانه است و هرچه در این عالم اعم از طبیعت و معنا و معنویت هست، همه به قضای الهی است. روایت است زمانی امیرالمؤمنین^(ع) کنار دیواری نشسته بودند که در حال فرو ریختن بود، ایشان محل را ترک کردند، شخصی عرض کرد: یا علی! از قضای الهی فرار می‌کنی؟ (یعنی اگر خدا بخواهد، چیزی نمی‌شود) حضرت فرمودند: «من از قضای الهی به قدر الهی بناه می‌برم»، این یعنی خدا برای این جهان، نظام اسباب و علت و معلول قرار داده و در چارچوب این نظام به انسان حق اختیار و انتخاب داده است.

در منطق قرآن، رزق فقط پول نیست و مال حرام اصلا جزو رزق محسوب نمی‌شود؛ اینکه خدا رزق را مقدر کرده، یعنی نظامی را تعیین کرده است که قانون دستیابی به آن، تلاش و کوشش و نیز امیدواری به رحمت خداست، مثل اینکه اگر زمانی در رزق انسان تأخیر شد. این طور فکر نکنیم که دنیا به آخر رسیده است و از رحمت خدا ناامید شویم و به سمت حرام برویم.

مسائل اقتصادی در آموزه‌های دینی بسیار مهم است، چنان‌که در حدیث است «اگر معاش مشکل داشته باشد، باور به معاد هم در انسان خدشه دار می‌شود». شرایط اقتصادی و تأمین نیازهای مادی انسان در اسلام، اهمیت دارد و به دنیا و آخرت درکنار هم توجه می‌کند، نه مثل تفکر مسیحیت که به انزوا و گوشه نشینی تأکید می‌کند و نه مثل یهود که یکسره زندگی را به مال اندوزی منحصر می‌داند.

در فرهنگ اسلامی درکنار سفارش به تلاش برای تأمین معیشت و توصیه به دوری از حرام‌خواری و حرص و طمع، بر قناعت تأکید بسیار شده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند، «قناعت، سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر است». لذا انسان درکنار تلاش برای معیشت و کسب درآمد حلال باید روحیه قناعت هم داشته باشد و از عواملی که باعث دنیاپرستی و تجمل‌طلبی و رفاه‌زدگی می‌شود، دوری کند.

بردار

و بخوان

حسین از زبان حسین^(ع)

همیده‌ذاکری از میان همه آثاری که در مورد امام حسین^(ع) چاپ شده است، امروز به‌سراغ اثری می‌رویم که گوینده و روایتگرش، خود ابا عبد... حسین^(ع) است. کتاب «حسین از زبان حسین» همان طور که از نامش پیداست، درباره زندگی سیدالشهدا^(ع) است از زبان خودشان و همین، جذابیت کتاب را چند برابر می‌کند.

«حسین از زبان حسین» را محمد محمدیان نوشته و انتشارات معارف در سال ۱۳۹۸ آن را منتشر کرده است. در این کتاب، نویسنده سعی کرده است از منابع مستند تاریخی استفاده کند. کتاب هشت فصل دارد و از زمان تولد حضرت شروع می‌شود.

● برشی از کتاب:

«مادرم فاطمه برایم نقل کرد:

هنگامی که تو را به دنیا آوردم، رسول خدا^(ص) به منزل ما تشریف آورد. من تو را در پتویی زردرنگ پیچیده بودم. رسول خدا آن پتو را کنار انداخت و پتوی سفیدرنگی گرفت و تو را با آن پوشاند. سپس در گوش راست تو اذان و در گوش چپ تو اقامه را زمزمه کرد و بعد از آن به من فرمود: ای فاطمه! فرزندت را بگیر که او پدر امامان خواهد بود، و نه فرزندان او امامان، ابرار و نیکان هستند و نه‌هین آن‌ها، مهدی ایشان است.»

فصل‌های کتاب به ترتیب:

- دوران رسول خدا^(ص).
- دوران امیرالمؤمنین^(ع).
- دوران امام حسن^(ع).
- امامت خود حضرت.
- آغاز مبارزه آشکار با حاکمیت اموی.
- از مکه تا کربلا.
- و تو چه می‌دانی کربلا چیست؟
- پس از شهادت امام حسین^(ع).

کتاب باقلم روان و ساده و جذاب نوشته شده است که اطلاعات محکمی علاوه بر زندگی امام حسین^(ع) از فضای سیاسی-اجتماعی آن دوران نیز به مخاطب می‌دهد و این روایتگری از زبان خود امام، باعث شده است خود را همراه ایشان در شرایط مختلف تاریخی تصور کنیم.

در بخشی از کتاب، این‌گونه در مورد عاشورا آمده است: «با اینکه همه یارانم به شهادت رسیده بودند و داغ آن همه عزیز دیده بودم و با آن همه خستگی و تشنگی و در اوج تنهایی و غربت به‌گونه‌ای وارد میدان شدم که یادآور حماسه‌های پدرم علی بن ابیطالب^(ع) بود. به هرسو که حمله می‌کردم، از مقابل شمشیرم فرار می‌کردند و مانند ملخ‌های پراکنده در آن بیابان، پخش می‌شدند. سپس به مرکز خود برمی‌گشتم و با صدای بلند می‌گفتم: «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ: هیچ نیرو و توانی، جز از جانب خداوند والا مرتبه بزرگ، نیست.»

(لِهُوف، ص ۱۷۰، ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۱۱).

شکر

۳شنبه
۳ تیر ۱۴۰۲
۲۸ خرداد ۱۴۰۲

SHAHIRANEWS.IR



مهر آواز

به استقبال یک محرم حماسی براساس آموزه‌های امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب

عزای حسینی باید باشکوه برپا شود

گزارش

ریحانه عامل‌نیک در روزهایی به ماه سرخ حسینی نزدیک می‌شویم که کشورمان هدف تعدی بزرگ‌ترین ظالم تاریخ معاصر، رژیم منحوس صهیونیستی، قرار گرفته است. گویی این روزهای سرخ دوباره و دوباره به استقبال مردم ایران می‌آیند تا بازهم مردم را در آغوش بگیرند و با آموزه‌های جاودان خود، همراه و همدلشان باشند؛ آموزه‌هایی که از آغاز نهضت سرخ عاشورا، الهام‌بخش مجاهدان و مبارزان راه حق بوده است. آموزه‌هایی که هرسال در پنج‌وجه ماه محرم و در عزای حسینی دوباره تکرار می‌شود. آموزه‌هایی که امام خمینی^(ع) دوباره آن فرموده‌اند: «محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود درمقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکست ستمکار را به فدایی دادن و فدا شدن دانست و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملت‌ها تا آخر دهر» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۱۴). به همین مناسبت در ادامه، با تأکید بر لزوم برپایی عزای حسینی در محرم امسال، برکت این عزاداری‌ها برای قلوب مردم ایران را بررسی خواهیم کرد.

آتش‌ی که همیشه روشن است

آری، این پرچم سرخ همیشه برافراشته برای مسلمانان و حقیقت‌جویان عالم در طول تاریخ، دارای برکات و نعمات بسیاری بوده است. یکی از برکات دائمی آن، آتش سرخی است که در قلب مؤمنان روشن است؛ آن چنان‌که امام صادق^(ع) به نقل از رسول خدا^(ص) می‌فرمایند: «در شهادت حسین، آتشی است در دل‌های باورمندان که هرگز خاموش نمی‌شود» (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ح ۱۲۸۴). آتشی که هم یاد این عزا را زنده نگه داشته است و هم موجب تقویت روحیه مردم در مبارزه با ظلم و مقاومت در برابر ستمگران طول تاریخ بوده است. درحقیقت مردم با یادآوری مجاهدات امام حسین^(ع) و یارانشان دربرابر لشکر ظلم و زنده ماندن قیامشان درطول تاریخ، درمی‌یابند که وعده نصرت الهی قطعی است و آنچه ماندنی نیست، بی‌عدالتی و ظلم است. امام خمینی^(ع) در این باره می‌فرمایند: «این خون سیدالشهداست که خون‌های همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد و این دسته‌جات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند». (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۱).

کلاس درسی که مبارز می‌سازد

اماد دیگر کارکرد عزای حسینی، الگوسازی برای مردم و همچنین معرفی خصایل اخلاقی جوانمردان است؛ همان‌گونه که در طول هشت سال دفاع مقدس، واقعه عاشورا و قیام امام حسین^(ع) الگوی مناسبی برای رزمندگان بود تا در مسیر حق و عدالت، جان‌فشانی کنند. ماربین، دانشمند آلمانی، در این زمینه می‌گوید: «مادامی که این روش و خصلت (برپایی مجالس سوگواری) در میان مسلمانان وجود دارد، هرگز نت به خواری نمی‌دهند و تحت اسارت کسی نمی‌روند... شیعیان درحقیقت از این راه به همدیگر درس جوانمردی و شجاعت تعلیم می‌دهند» (فلسفه شهادت و عزاداری، ص ۱۰۹). این مراسم با تبیین ارزش‌های والای انسانی مانند ایثار، شهادت، امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر، نقش مهمی در تربیت اخلاقی و اجتماعی افراد جامعه ایفا می‌کند. درحقیقت مرتبه‌های عاشورایی، آموزه‌های دائمی برای مردم بوده است. رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند: «عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد، عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضع و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب - ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)

التوبی برای آزادگان عالم

خوب است بدانیم که مبارزه حق و باطل و جنگ ظالم و مظلوم، مسیری است که در طول تاریخ ادامه داشته است و این تنها ما نیستیم که سرباز این میدان شده‌ایم. درحقیقت کارکرد ابدی نهضت حسینی است که از برخاستن برای مظلوم علیه ظالم می‌گوید، مرامی که در سیره اهل بیت^(ع) بسیار پررنگ است؛ توصیه‌ای که امام علی^(ع) در بستر شهادت برای فرزندان‌ش و همه آزادگان عالم به یادگار گذاشت: «همواره دشمن ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). همین کارکرد است که موجب شده است در طول تاریخ، عزاداری محرم به عنوان یک عامل محرک و الهام‌بخش برای قیام‌ها و نهضت‌های اسلامی نقش بیافریند. امام خمینی^(ع) باتوجه‌به این نقش‌آفرینی در این باره می‌فرمایند: «مجالس بزرگداشت سیدمظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر چهل عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هرچه باشکوه‌تر و فشرده‌تر برپا شود.»

(صحیفه امام، ج ۵، ص ۷۶)

پرچم هدایتی که همیشه افراشته است

در غروب روز دهم ماه محرم سال ۶۰ هجری قمری، دشمن خود را بی‌پرو میدان نبرد می‌پنداشت و به خیال خام خود، سرو سرخ حقیقت را برای همیشه سر بریده بود اما نهضت حسینی نه‌تنها لحظه‌ای متوقف نشد، بلکه تا امروز پرخون و جاندار بایرجاست. این حقیقتی بود که پیام‌آور عاشورا آن را در آن شام تیره با رگو کرده بود. حضرت زینب کبری^(ص) به نقل از پدر و جد بزرگوارشان، به امام زین العابدین^(ع) فرمودند: «برای قبر پدرت (سیدالشهدا^(ع))، در این سرزمین (کربلا) پرچمی برمی‌افرازند که گذشت شب‌ها و روزها، آتارش را کهنه نمی‌سازد و مراسم او را (مردم) هرگز از یاد نمی‌برند. هرچه پیشوایان و رهبران کفر، در نابودی و پوشاندن چنین آیینی بکوشند، آثار آن چشمگیرتر و حقایق عاشورا برافراشته‌تر خواهد شد» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۰). رهبر معظم انقلاب درباره پاسداشت این پرچم می‌فرمایند، «هیچ و هیچ نباید امت اسلامی و جامعه اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت، از نظر دور بدارد. قطعلا اسلام، زنده به عاشورا و به حسین بن علی^(ع) است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۱/۰۹/۰۱)

با یاد حسین^(ع) دورهم جمع می‌شویم

رهبر معظم انقلاب در بیاناتی، عاشورا را برای جوامع مسلمان یک امتیاز خوانده و فرموده‌اند: «تحقیقاتی که از مهم‌ترین امتیازات جامعه شیعه بر دیگر جوامع مسلمان، این است که جامعه شیعه، برخوردار از خاطره عاشورا است». ۱۷/۰۲/۱۳۷۳ عزای حسینی در طول تاریخ همیشه مردم را گرد هم آورده و موجب افزایش همدلی و هم‌بستگی در بین جامعه شده است. اگر تاریخ را ورق بزنیم، روزهایی را خواهیم دید که مردم در زیر چکمه‌های ظلم مزدوران رزخاخی در زیرزمین‌ها و به‌طور مخفیانه پرچم عزا را برمی‌افراشتند. هرچند درظاهر این مردم بودند که بانی بقای مجلس عزا بودند، در باطن، این عزای حسینی بود که مردم را در آن خفقان و محدودیت بسیار، دوباره دور هم جمع و دل‌هایشان را به حضور هم گرم می‌کرد. امام خمینی^(ع) درباره این کارکرد اجتماع حسینی می‌فرمایند: «شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا، نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه‌ها دارد و نه این گریه‌ها خودش فی‌نفسه کاری از آن برمی‌آید. لکن این مجلس‌ها مردم را همچو مجتمع می‌کنند و یک وجهه می‌دهند. ۲۰ میلیون، ۲۵ میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصا دهه عاشورا یک وجهه، طرف یک راه می‌روند.»

(صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۳)

گریه‌ای که حماسه است

بسیار شنیده و نمونه‌های آن را در تاریخ دیده‌ایم که حکام ظالم دربی از بین بردن آیین‌های ماه محرم و عزاداری حسینی بوده‌اند، زیرا این عزاتنها یک سوگواری ساده نیست و با خود کارکردهای بسیار مهمی به‌دنبال دارد که روشن‌ترین آن‌ها، ادامه مسیر مکتب امام حسین^(ع) برای زنده نگه داشتن دین اسلام است. به تعبیر شهید مطهری، «گریه بر شهید، شرکت در حماسه او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط و حرکت اوست» (ضمیمه قیام و انقلاب مهدی، ص ۱۲۴). بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نیز از این حماسه گریه، سخن گفته، می‌فرمایند: «چه‌ها و جوان‌های ما خیال نکنند که مسئله، مسئله ملت‌گریه است. این را دیگران القا کردند به شما‌ها که بگویید ملت خطاب به اهالی بصره بود. عده‌ای می‌گویند که خطاب حضرت، شیعیان بوده‌اند و برخی مورخان معتقدند که این دعوت برای تمام مسلمانان این شهر بوده است. این قتیبه دنیوری در کتاب «اخبارالظوال»، مختصری از این نامه را آورده و از افرادی نام برده است که امام نامه را خطاب به آن‌ها نوشته است. البته عده‌ای نیز نوشته‌اند که

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۵)

روشنا

قال الصادق^(ع): من ترک زیارته و هو یقدر علی ذلک قد عقی رسول ا...^(ص) و عقتا. (سفینه البحار، ج یک، ص ۵۶۴)

با نامه‌های امام تا کربلا (نامه چهارم)

سنت مُرد و بدعت زنده شد

پیوستند. اما آنچه امام معصوم به اهالی بصره نوشته بودند، از این قرار است: «اما بعد، خداوند، محمد^(ص) را از میان مخلوقات خویش برگزید و او را با نبوت خویش کرامت داد و به پیامبری خویش انتخاب کرد و آن‌گاه وی را به‌سوی خویش برد. درحالی‌که پندگنان راندن ز داده و رسالت خویش را رسانده بود و ما، خاندان و دوستان و جانشینان و وارثان وی بودیم و از همه مردم به مقام و جایگاه

او شایسته‌تر بودیم، اما قوم ما این جایگاه را به خود اختصاص دادند، ما را کنار زدند و ما رضایت دادیم و تفرقه را خوش نداشتیم و سلامت را دوست داشتیم. درصورتی‌که می‌دانستیم ما به این کار از کسانی که عهده‌دار آن شدند، شایسته‌تریم...! اینک فرستاده خویش را به‌همراه این نامه به‌سوی شما روانه کرده‌ام و شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر او دعوت می‌کنم؛ زیرا سنت مُرده و بدعت، زنده شده است. اگر سخنان مرا گوش دهید و دستور مرا اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می‌کنم. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما.»